

انهدام و بدبختي بزرگي که با آنچه در ويتنام گذشت، قابل مقايسه است. جلوگیری از این بدبختي بزرگ به علت قرباني هاي زيادي که توده هاي مردم در آمريکاي مرکزي بدهند، اهميتش را بيشتري به ايالات متحده آمريکا، نشان مي دهد.

JOSE A QUESADA FERNANDEZ-411
CAIBARIEN-511
OROZEO CRESPO-611
BUCA DE SAMA-711
TORONTO-811 -
ROBERTO TORNA MIRABAL-911
ADRIANA CORCHO-021
EFREN MONTEAGUDO-121
ARTAIGNAN DIAZ OIAZ-221
BARBADOS-321
HERNAN RICARDO LOZANO-421
FREDDY LUGO-521
LUIS POSADA CARRILES-621
URLANDO BOSCH AVILA-721
PRTINEZ SUARE-821



سيامک پورزند - 1
کارنامه يك دلالت وابسته به بيگانه ازنازپرورديگي تا کودتاي فرهنگي

& نویسنده: لاله ياراحمدي

پيشينه خاندان پورزند

سيامک پورزند بيست و پنجم شهريور ماه 1310 شمسي درتهران به دنيا آمد. پدرش عبدالرسول نام داشت و معروف به تيمسار پورزند بود که در شمار افسران مورد اعتماد رضاخان قرارداشت و در خدمت به اين ديکتاتور از هيچ جنايتي روگردان نبود. همين خصلت موجب شده بود تا هرگاه عشايير کردستان سر به شورش برمي داشتند، رضاخان سريعاً تيمسار پورزند را مأمور سرکوب آنان مي کرد و او با کشتار مردم، امنيت دلخواه رضاخان را در مناطق غرب کشور برقرار مي نمود. به همين سبب، وي بيشتري ايام فعاليتش در ارتش رضاخان را در شهرهاي مرزي کردستان و دور از مرکز گذرا ند. او چند همسر اختيار کرد که سيامک پورزند از همسر دوم وي مي باشد.

عبدالرسول پورزند فعاليت در نيروهاي نظامي را از «فوج قزاق» آغاز مي کند. وي به همراه برادرش که او هم بعدها يکي از امراي ارتش رضاخاني شد در اواخر اقتدار خاندان قاجار و قبل از آغاز جنگ جهاني اول به عنوان تابين - (سرباز ساده و فاقد درجه) به صف قواي «قزاق» (1) که زير نظر افسران روسيه تزاري اداره مي شد، پيوست و مدتي بعد در شمار همين گونه نيروهاي دونپايه «قزاق» براي سرکوب «نهضت جنگل» و ميرزا کوچک خان جنگلي عازم مناطق شمالي کشور گرديد. او در جريان اين مأموريت «آترپاد کل قزاق» به فرماندهي «کلنل استاروسلسکي» - با چندتن از اعضاي شبکه جاسوسي انگليس آشنا شد و تحت امر رضاخان - فرمانده آترپاد قزاق همدان که پس از شکست از

جنگلی ها به قزوین گریخته و در آنجا اردو زده بودند - قرارگرفت و در اجرای کودتای سوم اسفند 1299 شمسی که توسط وزارت مستعمرات انگلیس طراحی و برای اجرا به ژنرال آیرونساید - فرمانده نیروی انگلیس در خاورمیانه و مقیم بغداد که برای دیدار با رضاخان که یکی از جاسوسان انگلیسی به نام اردشیر ریپورتر او را یافته و کاندیدای رهبری کودتا و اداره امور مملکت کرده بود، به ایران آمده و با او در محله «پیربازار» رشت دیدار کرده بود - و «نرمان» وزیرمختارانگلستان در ایران و کلنل اسمایلس افسر عملیاتی و هماهنگ کننده در اجرای طرح کودتا- تصویب و برای اجرای به سفارت انگلیس در تهران ابلاغ شده بود، به فعالیت پرداخت.

پیروزی کودتای 1299 شمسی و قدرت گرفتن رضاخان به عنوان وزیر جنگ، عبدالرسول پورزند را در مدار قدرت قرارداد و او به دلیل همگامی اش با رضاخان و اجرای دستورات کانونهای مرتبط با وزارت مستعمرات انگلستان، مشمول ترفیع واقع شد و یک روز بعد از کودتا به درجه «سلطانی» (سروان) رسید و در شمار نیروهای تحت امر امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی (2) در عرصه سرکوب مردم غرب کشور، از ماکوتا کرمانشاهان و لرستان به فعالیت پرداخت. وی در سایه اجرای اوامر، درجات نظامی را یکی پس از دیگری به صورت تشویقی و زودتر از زمان معمول پشت سر گذاشت. وی که در زمان کودتای 1299 شمسی پایین ترین درجه در رده فزاق ها را داشت، حدود پانزده سال بعد به سرتیپ پورزند مبدل گردیده و از امرای ارتش رضاخانی شد (3).

عبدالرسول پورزند در این زمان تنها یک ژنرال ارتش رضاخانی نبود. او از عناصرتیپ با شبکه جاسوسی انگلستان نیز بود که بعد از حمله متفقین به ایران در سوم شهریور 1320 شمسی و فروپاشی دیکتاتوی رضاخان، همراه با عده ای از شخصیت ها و رجال سیاسی و اجتماعی آن ایام - ظاهراً - به اتهام هواداری از آدولف هیتلر و حکومت «نازی» ها در آلمان، بازداشت گردید و در زندانی که نیروهای نظامی انگلستان در شهرستان اراک ایجاد کرده بودند زندانی شد: «در روز 14 یا 15 ماه اوت «مایر» (جاسوس معروف آلمانی در ایران) را مأمورین امریکایی با کمک انگلیسی ها توقیف کردند. در همان موقع دولت ایران به دستور متفقین حدود 170 نفر از ایرانیان طرفدار آلمان را که اکثر آنها عضو حزب ملیون و حزب کبود بودند، توقیف کرد. این عمل شامل چندتن از افسران ارشد، نظیر تیمسار فضل الله زاهدی و تیمسار فرج الله آق اولی، تیمسار عبدالرسول پورزند و... می شد. . .» (4)

ارتشبد سابق - حسین فردوست متولی تشکیلات جاسوسی و امنیتی رژیم محمدرضا پهلوی این اقدام را ترفند سرویس های اطلاعاتی بریتانیا می داند و براین اعتقاد است که انگلستان می کوشید تا از رهگذر این بازداشت های کوتاه مدت، ژست و چهره ای ملی گرا و ظاهراً مبارز به این افراد و عناصرتیپ وابسته ببخشد تا از آنان در مقاطع بعدی و در مواقع لزوم، به عنوان شخصیت های مبارزی که در راه مخالفت با استعمار، متحمل زندان و شکنجه شده اند، بهره برداری نماید. (5)

این نظریه ارتشبد فردوست و همگان او زمانی به یقین مبدل می شود که مشاهده می کنیم یک موج تبلیغاتی پیرامون عده ای از رجال و نظامیان بازداشت شده توسط نیروهای نظامی انگلیس در برخی از جرایم وابسته به کانونهای قدرت بیگانه، از جمله در اطراف تیمسار زاهدی و تیمسار پورزند راه اندازی می شود و کوشش می گردد تا این افراد را در اذهان و افکار عمومی «قهرمان» جلوه گر سازد.

در راستای اجرای این سیاست بود که گزارشهایی درباره مقاومت و ایستادگی آنان در برابر بازپرسان انگلیسی درجراید - که مهم ترین رسانه آن ایام بود و

عمیق ترین نفوذ را در بین افشار میانی و فرودست جامعه داشت - چاپ می شد. (6) زیرا رادیو که در سال 1319 افتتاح شده بود، بسیار گرانقیمت و پدیده ای اشرافی به حساب می آمد و جز معدودی از خانواده های واقعاً مرفه و اشرافی به آن دسترسی نداشتند.

شایان ذکر است در میان بیش از یکصد وهفتاد نفری که نیروهای نظامی انگلستان در ایران برای اجرای طرح خود خواستار بازداشت آنان بودند و یا خود به صورت مستقیم برای دستگیری آنها اقدام کردند، چند شخصیت واقعاً صادق و مبارز وجود داشت که حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی (7) یک نمونه از آنان بود.

تحصیلات و مشاغل پورزند

دوران کودکی سیامک پورزند در نازپروردگی و رفاه در خانه یک افسر ارشد ارتش رضاخانی گذشت. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «طوسی» و تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستانهای «علمیه» و «ایران شهر» گذراند. (8) اما موفق به پایان بردن تحصیلات متوسطه و دریافت دیپلم دبیرستان نشد. در پرونده پرسنلی سیامک پورزند در کارگزینی موسسه کیهان هیچ گونه رونوشت یا فتوکپی و «ارزش تحصیلی» یا گواهی ویژه ای که حاکی از اتمام تحصیلات دبیرستانی وی باشد موجود نیست.

سرلشکر عبدالرسول پورزند به دلیل خلق و خوی و خصلت نظامیگری اش بسیار علاقمند بود تا «سیامک» در کسوت نیروهای نظامی درآمد؛ که این چنین نشد.

اما پسر دیگرش - لهراسب (سعید) پورزند- این آرزو را برآورده ساخت و پس از گرفتن دیپلم به دانشکده افسری رفت و از طریق اعمال نفوذ پدرش به گارد شاهنشاهی منتقل شد و به دلیل نقش پدرش و خدمات او در انتقال سلطنت به رضاخان و نیز از رهگذر چاپلوسی و مدافعه گری، خیلی سریع مراحل و درجات نظامی را پشت سر گذاشت و در شمار افسران گارد شاهنشاهی قرار گرفت. براساس اعترافات سیامک پورزند، سعید پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکست طرح کودتای شبکه نیما به خارج از کشور رفت. (9)

1- قوای «قزاق» در ایام سلطنت ناصرالدین شاه و با کمک روسیه تزاری ایجاد شد. این تشکیلات در آغاز یک هنگ تشریفاتی بود، اما در گذر زمان قدرت گرفت، تاجایی که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به صورت یک لشکر مقتدر درآمد. فرمانده کل قزاق همیشه یک روسی بود که حقوق خود را از ایران می گرفت، اما عملاً حافظ منافع روسیه تزاری بود. تا زمانی که روسیه تزاری وجود داشت قوای قزاق هم در اوج اقتدار بود. چنانچه ماجرای به توپ بستن مجلس شورا و اعدام آذربایجان در زمان محمدعلیشاه، توسط قوای قزاق و فرمانده آن لیاخوف انجام شد.

2- امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی فرمانده گارد نظامی دربار احمدشاه بود که پس از کودتای 1299 به رضاخان پیوست و پس از خلع قاجاریه از سلطنت ناجوانمردانه ترین رفتار را با ولی نعمت خویش انجام داد و در فاصله چند ساعت محمدحسن میرزا ولیعهد و زن و فرزندان احمدشاه را از کاخ گلستان اخراج کرد. برای اطلاع بیشتر به کتاب بازیگران عصر تلایی، نوشته ابراهیم خواجه نوری، اولین سری از کتابهای جیبی، انتشارات فرانکلین مراجعه فرمایید.

3- جعفر مهدی نیا، زندگانی سیاسی محمدعلی فروغی، ص 661.

4- جعفر مهدی نیا، زندگانی سیاسی محمدعلی فروغی (ذکاء الملک)، صص 661-660.

آميز اجتماعي پنهان است که در طول يك قرن رفته رفته بزرگتر و مهمتر شده است. زمين و مالکيت زمين، اينها کلیدهاي پي بردن به تمام وقایعي هستند که در السالوادور روي داده است و هنوز هم روي مي دهد: استثمار، فشار و سرکوب، فقر و گرسنگي، تعقيب و آزار و شکنجه و آدم کشي ها، همچنين مقاومت و مبارزه توده مردم؛ پيروزي چريك ها نژد يك است و هنوز فقط يك دخالت نظامي مستقيم ايالات متحده آمريکا با تمام عواقبي که براي منطقه و از آنجا براي صلح جهاني همراه خواهد آورد، مي تواند جلوي آن را بگيرد.

Nord Capital and High Street NW-031
International Reslarch and Technology Coryuration-131
Uwell Ponte-231
Jaap Van Ginnchen-331
Fort Detrick-431
Baltimurre-531

136- اين نوشته مربوط به زماني است که رونا لد ريگان هنوز رئيس جم هور آمريکا بود.

137- عنقا پرنده اي افسانه اي است که پس از سوختن دومرتبه از ميان خاکسترش زنده مي شود (لاروس 5891)

138- (ISTA)

سيامک پورزند - 2

روزنامه نگاري در قاموس پورزند ترويج سينماي سکسي و جلب توجه جوانان به بي بند وباري

پورزند در عرصه مطبوعات

سيامک پورزند ادعا مي کند که در دوران ملي کردن صنعت نفت در شمار مخالفان رژيم پهلوي قرار داشته و از اعضاي فعال جبهه ملي بوده است. درحالي که به استناد مدارک موجود، او پس از کودتاي 28 مرداد 1332 نه تنها هيچ گونه آسبي نديد، بلکه به عنوان روزنامه نگار مورد اعتماد دولت کودتا به کار پرداخت و برخوردار از حمايت افراي چون مهدي ميراشرفي-(10) از عوا مل اصلي کودتا و عناصر مرتبط با سفارت امريکا - در عرصه مطبوعات رشد کرد و به سردبيري برخي از جرايد نائل آمد.

سيامک پورزند در کتاب «چهره مطبوعات معاصر» که از سوي موسسه «پرس اجنت» و با سرمايه ايرج نبوي و غلامحسين صالحيار در سال 1354 به بازار کتاب ايران عرضه شد و از هر نويسنده اي بابت چاپ يك قطعه عکس پرسنلي و چند سطر معرفي نامه و شرح حالي که هر نويسنده براي خودش مي نوشت، مبلغ دوپست و پنجاه تومان مي گرفتند، خود را ليسانسيه روزنامه نگاري معرفي مي کند. (11) اما هيچ سند و مدرکي پيرامون تحصيلات دانشگاهي خود در اين رشته ارائه نمي دهد. (12)

از ديگر اقدامات پورزند در اين ايام ايجاد رابطه با انجمن ايران و امريکا و اجراي نظرات و برنامه هاي سران اين انجمن در عرصه مطبوعات براي جهت دادن به افکار عمومي بود. او در مصاحبه تلويزيوني خود از روابط خود با رييس امريکايي اين انجمن برده برمي دارد و مي گويد:

«انجمن ایران و آمریکا وابسته به سفارت آمریکا بود که یک رییس امریکایی داشت به نام «ریس». . . اینها با تمام روزنامه نگاران جلسه داشته و دعوت به نهار می کردند و مقالات و مصاحبه هایی که با شخصیت های امریکایی انجام شده و یا در آمریکا تهیه شده بود در اختیار روزنامه ها قرار می دادند. آنها در ازای این خدمت روزنامه نگاران ایرانی، دوره ها و بورس های متعددی در اختیار آنان قرار می دادند که حتی افرادی می توانستند با بهره گیری از این بورس ها به آمریکا بروند و در رشته مطبوعات و ارتباطات لیسانس بگیرند. . .» (13)

به نظر می رسد پورزند به دلیل خوش خدمتی های خود به آمریکائیا موفق به دریافت لیسانس گردیده باشد.

پورزند در روزنامه اطلاعات

سیامک پورزند پیش از آنکه در سال 1339 به عنوان کارمند تحریریه به استخدام موسسه کیهان درآمد با مؤسسه اطلاعات همکاری داشت و همگام با فرخ دین پارسای (14) - که از پیروان فرقه ضاله بهائیت و مسؤول فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با زنان از هنگام فاجعه کشف حجاب در سال 1314 شمسی به این سو بود- و ویکتوریا بهرامی (15) از سردمداران و زنان به اصطلاح پیشتاز در عرصه طرح مقوله «فمینیسم» در ایران و ایرج مستعان (16) در کار انتشار مجله اطلاعات بانوان فعال شد.

پورزند قبل از همکاری واشتغال در عرصه انتشار مجله اطلاعات بانوان، عضو تحریریه روزنامه اطلاعات بود. وی مدعی است که با بهره گیری از نفوذ و قدرت و سابقه دوستی پدر و عمویش با سناتور عباس مسعودی مالک موسسه اطلاعات و نیز نجفقلی پسین سردبیر روزنامه اطلاعات، به تحریریه روزنامه اطلاعات راه یافته بود. وظیفه او در این ایام مصاحبه با فرماندهان ارتش نظیر سرلشکر ضرغام، سپهبد تیموریختیار و سپهبد نعمت الله نصیری و رجال نامدار سیاسی همانند سناتور علی دشتی، سناتور محمدحجاری (مطیع الدوله) و سناتور سیدحسین تقی زاده و کسب خبرهای ویژه و مهم از طریق آنان بود. سیامک پورزند هنگام ارائه درخواست کار به موسسه کیهان طی پاسخ به پرسشنامه ویژه ای سوابق فعالیت های مطبوعاتی خود تا آن تاریخ (1339) را بدین شرح اعلام می کند:

«کارمند اداری و مدیر داخلی در مجله «عدل» در سال 1331، مدیر داخلی مجله «پیک سینما» از اواسط سال 1332 تا اواخر 1332، سردبیر مجله «ستاره سینما» از سال 1332 تا 1335، سردبیر مجله «مهر ایران» از سال 1335 تا 1336، عضویت در تحریریه مجله «اطلاعات بانوان» از ابتدای تاسیس تا 1337، سردبیری مجله «آتش» از سال 1337 تا 1339.» (17)

سیامک پورزند در بهمن ماه 1336 با خانمی به نام ماندانا زندکریمی ازدواج می کند. حاصل این ازدواج دختری به نام بنفشه بود که در سال 1341 به دنیا آمد. اما این ازدواج سرانجام به جدایی انجامید. براساس اعترافات سیامک پورزند، همسر اول او و دخترش بنفشه در حال حاضر از کارکنان دفتر رضاهلوی در آمریکا هستند.

پورزند و نشریات سینمایی

راه اندازی و رواج مجلات غیرسیاسی و بیشتر از همه نشریات سینمایی و اختصاص صفحات رنگین روی جلد مجلات به تصاویر هنرپیشگان نامدار هالیوود و تشکیل سرویس های هنری ویژه سینما که جزئی ترین اخبار و روابط هنرپیشگان داخلی و خارجی را تعقیب و عمده و مطرح سازد، اولین راهکار برای غیرسیاسی کردن جراید داخلی و از بین بردن روحیه سیاسی دوران نهضت نفت و پدید آوردن تیپ جدیدی از جوانان بودتا فارغ از مسایل سیاسی و غارت امپریالیستی منابع نفتی شان در قالب قرارداد کنسرسیوم، قهرمان ایده آیشان

هنرپیشگانی چون جان وین یا گاری کوپر و برت لنکسترا شد و از کوچکترین حادثه در زندگی غیراخلاقی سوفیالورن و جینالولوبریچیدا و مرلین مونرو خبرداشته باشند. این اقدامات در مطبوعات از طریق افرادی نظیر ایرج نبوی، ناصرخدایار، مجید دوامی و داریوش همایون که مجریان اینگونه دستورات عملها در رنگین نامه های هفتگی و ماهانه بعد از کودتای 28 مرداد بودند و با پشتیبانی مدیرانی نظیر جهانگیرتفضلی به اجرا درآمد.

کارگزاران مطبوعاتی و سرکردگان اصلی جراید آن ایام، رواج اینگونه خبرهای مبتذل را در جراید تحت فرمان خویش آزمودند و سیامک پورزند هم در این بین که در تشکیلات مطبوعاتی بعد از کودتای 28 مرداد زیر نظر ایرج نبوی کار می کرد، همکاری خود را با مجله پیک سینما به عنوان یک نشریه سینمایی که از سوی متولیان امور فرهنگی و جراید بعد از کودتا منتشر می شد آغاز کرد. (18) اما این تلاش خائنه متولیان و کارگزاران امور فرهنگی و مطبوعاتی در ابتدای امر با شکست مواجه شد و مردم از اینگونه نشریات استقبال نکردند و به همین سبب نشریه ای که پورزند با آن همکاری داشت با زیان و ورشکستگی مواجه و تعطیل می گردد. به دنبال ورشکستگی نشریه «پیک سینما» مسؤولین امور به چاره اندیشی می پردازند و سرانجام یک سلسله سیاست های حمایتی را در این زمینه طراحی می کنند. متعاقب این تصمیمات، سیامک پورزند به سردبیری هفته نامه ستاره سینما منصوب می گردد و از سال 1332 تا 1335 در این مقام باقی می ماند. (19)

به این ترتیب پرداختن به زندگی هنرپیشگان هالیوودی و الگوسازی از آنان در دنبال کردن همین شیوه در سینمای مبتذل فیلم فارسی شاخصه و تخصص سیامک پورزند شد. نگاهی به پرسشنامه موجود در پرونده پرسنلی سیامک پورزند مؤید این نکته است که روزنامه نگاری در قاموس او یعنی پرداختن به سینمای سکسی و تلاش برای الگوسازی و جلب توجه جوانان به رقص و بی بندوباری.

پورزند از 1337 تا 1339 سردبیری هفته نامه «آتش» متعلق به مهدی میراشرفی - عامل معروف کودتای آمریکایی 28 مرداد- را برعهده گرفت. (20) پورزند در کیهان

براساس مندرجات پرونده پرسنلی سیامک پورزند، او همکاری با روزنامه کیهان را از سال 1339 آغاز می کند. وظیفه وی در کیهان همان وظیفه قبلی، یعنی تهیه خبر از هنرپیشگان و رفاضان و دست اندرکاران فیلم فارسی و تهیه گزارش برای صفحات داخلی کیهان بود.

میزان حقوق ماهانه سیامک پورزند در این زمان 500 تومان معین می شود که از حقوق سایر همکارانش در کیهان خیلی بیشتر بود. برای اینکه تفاوت حقوق پورزند را بادیگر خبرنگاران نشان دهیم کافی است به این نکته اشاره کنیم که حقوق ماهانه همسر دوم او خانم مهرانگیزکار در مجله زن روز در شهریور 1345 مبلغ 450 تومان بوده است. البته حقوق سیامک پورزند در این حد نمی ماند و به دستور دکتر مصباح زاده بعد از چند ماه، حقوق وی به ماهی هزار تومان افزایش می یابد.

ذکر این نکته ضروری است که سیامک پورزند همزمان با کار در روزنامه کیهان، کارمند وزارت آموزش و پرورش نیز بود و بدون اینکه حتی یکساعت برای کار به این وزارتخانه برود، همه ماهه حقوق و مزایای یک کارمند آموزش و پرورش به او پرداخت می شد. (21) وی افزون بر این حقوق و مزایا، ماهانه یک هزار تومان نیز طی چک جداگانه ای از بانک ایران و انگلیس واقع در چهارراه مخابرات تهران دریافت می کرد. (22)

به طور کلی سیامک پورزند در طول مدت همکاری خود با کیهان نظم اداری را

آنچنانکه باید و شاید رعایت نمی کرد. به همین سبب دکترمهدی سمسار سردبیرکیهان در تاریخ 1339/1/28 طی یک نامه رسمی او را در اختیار کارگزینی می گذارد و مراتب را به دکتر مصباح زاده گزارش می کند. دکتر سمسار در این نامه می نویسد:

«جناب آقای دکتر

چون ادا مه کار با آقای پورزند مقدور نیست، خواهشمندم ایشان را احضار فرمایید و بعدهم به دفتر دستور لازم در مورد ایشان صادر فرمایید، یا اینکه آقای پورزند را به قسمت دیگری از روزنامه منتقل فرمایید.

با تقدیم احترام - دکتر سمسار» (23)

اما مصباح زاده به جای توبیخ یا تنبیه این کارمند نامرتب، به گزارش سردبیرکل کیهان وقعی نمی نهد و به پورزند مسؤلیت بزرگتری می سپارد و وی را به عنوان سرپرست روابط عمومی کیهان منصوب می سازد. عده ای این اقدام دکتر مصباح زاده را دلیل حمایت سازمانهای قدرتمند بیرون از کیهان نظیر ساواک از پورزند می دانند. مصباح زاده پورزند را موقتاً از کادر تحریریه کیهان خارج کرد و با انتصاب وی به ریاست روابط عمومی، در حقیقت به او ترفیع داد.

پورزند در مقام رییس روابط عمومی کیهان برنامه های ویژه ای ترتیب می داد که از آن جمله می توان به تشکیل غرفه نشریات کیهان در محل تئاتر نصرتهران و دعوت از شاه و فرح برای بازدید از آن اشاره کرد. (24)

10- برای آشنایی بیشتر درباره مهدی میراشرفی به مجموعه معماران تباهی، جلد دوم، تألیف دفتر پژوهشهای کیهان مراجعه فرمایید.

11- پرس اجنت، چهره مطبوعات معاصر، چاپ اول، سال 1354، ص 71.

12- آرشیو کیهان.

13- مصاحبه تلویزیونی سیامک پورزند، مورخه 1381/5/6

14- فرخ دین پارسای از کارگردانان اصلی مسائل زنان در دوران پهلوی بود. او که بهایی بود از جانب شورای «ایادی امراالله» - بالاترین مرجع فرقه ضاله بهائیت - ماموریت بهم ریختن بافت سنتی جامعه زنان ایرانی را برعهده داشت و باهمین هدف بود که پس از آغاز دیکتاتوری رضاخان، ماهنامه «جهان زنان» را انتشار داد و خواستار برابری حقوق زن و مرد شد. پارسای چندی بعد مجله ای به نام «عصر جدید» را منتشر کرد و آن را ارگان انجمن های زنانه ای که علی الظاهرخواستار برابری حقوق سیاسی واجتماعی بامردان بودند، قرارداد. وی مدتی سردبیرکل روزنامه اطلاعات بود و از رهگذر نفوذ خود برای ایجاد مجله اطلاعات بانوان سود برد. او پدر فرخ روپارسای بود، نخستین زنی که در کابینه امیرعباس هویدا، به مقام وزارت آموزش و پرورش رسید.

15- ویکتوریا بهرامی در سال 1312 به دنیا آمد. او از جمله زنانی بود که بعد از کودتای 28 مرداد با هدف رواج «ازخودبیگانگی» در میان دختران ایرانی به عرصه مطبوعات آمد. وی در تاسیس مجله اطلاعات بانوان نقش مهمی را ایفا کرد.

16- ایرج مستعان در 1307 به دنیا آمد. او هم از جمله نویسندگانی است که بعد از کودتای 28 مرداد به عرصه مطبوعات آمد. وی نخستین سردبیرمجله اطلاعات بانوان بود و تا اوایل دهه 1350 حدود 15 سال این مجله را اداره کرد. مستعان پس از تاسیس روزنامه همشهری، متعلق به غلامحسین کربا سچی، سردبیرصفحات هنری و ویژه نامه ضمیمه روزهفتم آن روزنامه را عهده دار بود.

17- آرشیو کیهان.

18- همان.

19- همان.